

عاشقانه‌ها در سکوت

به مناسبت روز جهانی ناشنویان، روایت زندگی یک زوج عاشق که شوهر،

ناشنوایی موفق است وزن یک همراه همیشگی

صادق جهانی | خبرنگار

پرونده

سکوت، بخش زیادی از آن چیزی است که یک ناشنوا در کوله‌بار زندگی‌اش به دوش می‌کشد. انسان‌هایی که با محروم شدن از صداها و پیرامون‌شان، دغدغه ارتباط با هم‌نوعان خود را دارند و از آن‌جا که اطرافیان هم‌بازبان ایما و اشاره‌اشنایی کاملی ندارند، برقراری ارتباطی مناسب و مطلوب با آن‌ها خیلی سخت می‌شود. ناشنویان به دلیل فقدان نعمت شنوایی در زندگی خود با مشکلات زیادی روبه‌رو هستند اما آن‌ها این کمبود امانی بر سرآوردند و شکوفایی فردی و اجتماعی خود نمی‌بینند و مسیر موفقیت را به خوبی طی می‌کنند. در پرونده امروز به مناسبت ۳۰ سپتامبر، روز جهانی ناشنویان که با ۹ مهر ماه مصادف شده، شما را با زندگی بهزاد اشتری، ناشنوایی که توانست بر محدودیت‌ها غلبه کند و با اراده‌ای محکم توانایی‌های خود را بروز دهد، آشنا می‌کنیم. اشتری متولد سال ۴۷ در تهران و اکنون دبیر هنرستان سید جمال‌الدین اسدآبادی این شهر است که البته تا چند وقت دیگر از رساله دکتری خود در رشته برق قدرت هم دفاع خواهد کرد. او سال ۸۱ با تأسیس یک موسسه برای ناشنویان، قدم‌های بزرگی در راه شکوفایی آن‌ها برداشت و ایده تألیف دانشنامه ناشنویان را هم ارائه داد. این راهم بگوییم در این راه، خانم معصومه سعدی، همسروی، یار و یاور همیشگی‌اش بوده و عاشقانه همراهی‌اش می‌کرده‌است. این گفت‌وگو با کمک خانم سعدی انجام شد.

انتظار خواستگاری از طرف یک مرد ناشنوا را نداشتیم

که آقای اشتری به پسر خواهرم تدریس می‌کردند که البته چند دانش‌آموز ناشنوی دیگر هم همزمان در کلاس بودند، من هم برای آشنایی با فرایند تدریس در کلاس حاضر می‌شدم تا از نزدیک با نوع آموزش و نحوه تعامل با این عزیزان آشنا شوم. در همین هنگام آقای اشتری متوجه عشق و علاقه و محبت من و ارتباط راحت با دانش‌آموزان شد. بعد از چندین ماه حضور مستمر در کلاس، تصمیم گرفت از من خواستگاری کند. من در ابتدا از درخواست‌شان خیلی شوکه شدم و انتظار چنین چیزی را نداشتیم، حتی آن شب به خاطر دارم که کارم به بیمارستان کشید.

ویژگی منفی در اخلاق و شخصیت بهزاد ندیدم

خانم «سعدی» در ادامه به مخالفت اعضای خانواده‌اش و حتی مخالفت خانواده خود آقای اشتری و در نهایت رضایت به این ازدواج اشاره می‌کند: «جدای از این که خودم در ابتدا با این ازدواج مخالف بودم، پدر و مادر من هم به این ازدواج راضی نبودند، به خصوص مادر من با این وصلت خیلی مخالف بود و دلیل مخالفت‌اش هم همین ناشنوایی خواهرزاده بود و همیشه می‌گفت که نمی‌توانم تحمل کنم که با این ازدواج یک ناشنوی دیگر به جمع خانواده ما اضافه شود اما پدرم با این قضیه زیاد مخالفت نمی‌کرد. از طرف دیگر پدر و مادر خود آقای اشتری هم

اطرافیان می‌گفتند معصومه یک‌ماه نشده طلاق می‌گیرد

«روزی که می‌خواستیم با آقای اشتری ازدواج کنم، اعضای فامیل می‌گفتند معصومه اشتباه خیلی بزرگی کرد، الان با این مرد ازدواج می‌کند، بعد از یک ماه هم پشیمان می‌شود و طلاق می‌گیرد»، سعدی با بیان این دیدگاه نادرست و آزاردهنده مردم درباره ناشنویان، ادامه می‌دهد: «متأسفانه نگاه بعضی از مردم به ناشنویان، برای این عزیزان سنگین و آزاردهنده است و باعث انزوا و گوشه‌نشینی آن‌ها می‌شود و باید این نگاه تغییر کند اما من در مقابل همه این نگاه‌ها ایستادم. البته این موضوع علاوه بر درون خانواده و اقوام از بعد اجتماعی هم خیلی حائز اهمیت است. وقتی مردم با فرد ناشنوایی روبه‌رو می‌شوند به گونه‌ای به آن‌ها نگاه می‌کنند، انگار که از یک جای دیگر آمده‌اند. مثلاً زمانی که که یک ناشنوا برای خرید به فروشگاه می‌رود و متوجه می‌شوند که وی ناشنواست با تمسخر به وی نگاه می‌کنند. متأسفانه به خاطر این نگاه تمسخرآمیز بعضی از مردم، برخی از خانواده‌هایی که فرزند ناشنوا دارند این موضوع را مخفی می‌کنند و با خود می‌گویند

الان بچه‌ها را با خود بیرون بیاورم، قرار است چه اتفاقی بیفتد؟

واقع‌آ‌نگاه بدو معنی دارم مردم به فرزندشان ترس دارند. حتی بعضی از خانواده‌های دارای فرزند ناشنوا را سراغ دارم که فرزندشان را برای تفریح در بوستان‌ها آخر شب‌ها و هنگامی که خلوت است به پارک می‌آورند. همه این‌ها از نبود

فرهنگ‌سازی ناشی می‌شود و در این زمینه لازم است صداوسیما برای روشن‌سازی افکار عمومی به منظور نگاه درست به ناشنویان آگاه‌سازی و فرهنگ‌سازی کند». این زوج اکنون صاحب یک پسر به نام حسین هستند که در رشته مهندسی عمران گرایش سازه، کارشناس ارشد گرفته است. از سعدی رابطه حسین با پدرش را جویا می‌شوم: «خوشبختانه بین پدر و پسر رابطه صمیمی و محبت‌آمیزی برقرار است و حسین هم هر زمان که پدرش برای مراجعه به جایی به کمک نیاز داشته باشد، او را همراهی می‌کند.»

یک موسسه برای ناشنویان

تأسیس کردیم

اشتری بعد از ۱۲ سال فعالیت در حوزه برق و تدریس در هنرستان تصمیم می‌گیرد به صورت تخصصی وارد حوزه کار با ناشنویان شود و به همین منظور، اقدام به تأسیس یک موسسه برای آن‌ها می‌کند. «سعدی» ادامه می‌دهد: «اشتری سال ۷۹ تصمیم گرفت برای ناشنویان کار کند و بعد از دو سال یعنی سال ۸۱، موسسه خود با نام «فرجام‌جام‌جم» را دایر کرد. دلیل ایجاد این موسسه از سوی همسر، دغدغه‌ای بود که وی درباره مشکلات و کمبودهای ناشنویان داشت. مردم در نگاه اول به مشکل یک فرد نابینا یا دارای نقص جسمانی پی می‌برند ولی تازه زمانی که با یک ناشنوا صحبت نکنند متوجه نقص عضو او نمی‌شوند و به همین دلیل، زیاد در جامعه مورد توجه قرار نمی‌گیرند. باتوجه به این که بیشتر ناشنویان در فعالیت‌های هنری قوی هستند و در این زمینه از استعداد و توانایی بالایی برخوردارند، همسر در تلاش بود که در ارتباط با دیگر سازمان‌ها همچون اداره فرهنگ، شهرداری و سازمان بهزیستی، توانمندی‌های این عزیزان را نشان دهد. یکی دیگر از کارهای همسر، تنظیم و تدوین یک دانشنامه سه جلدی مخصوص ناشنویان به نام «دانشنامه دانا» بود که در این دانشنامه به معرفی ناشنویان موفق در سطح دنیا پرداختیم. کار روی این دانشنامه حدود سه سال به طول انجامید و برای به ثمر نشستن این دانشنامه، ۱۰۰ شخص که عده‌ای از آن‌ها هم ناشنوا بودند، همکاری داشتند. از دیگر فعالیت‌های ما در این موسسه، برگزاری نمایشگاه‌هایی برای نمایش آثار هنری و فرهنگی ناشنویان بود و خوشبختانه در طول سه دوره برگزاری این نمایشگاه‌ها، آثار این عزیزان با استقبال خوبی از سوی مردم روبه‌رو شد. در کنار اقداماتی که انجام دادیم، سال ۸۴ بانک اطلاعاتی جامعی هم برای ناشنویان تهیه و تنظیم کردیم. هدف ما از تهیه این بانک اطلاعاتی، کمک به ناشنویان در حوزه‌های علمی، فرهنگی و پژوهشی بود که البته به علت کمبود بودجه و نبود حمایت‌ها، نتوانستیم آن را ادامه دهیم.»

من یک ناشنوی مطلق هستم

ناشنوایی این قشر از افراد جامعه صرفاً بدو تولد نیست و برخی از افراد به علت بیماری‌های دوران نوزادی و کودکی حس شنوایی خود را از دست می‌دهند که ناشنوایی اشتری هم متأثر از بیماری بوده که در شش ماهگی به آن مبتلا شده است. سعدی، پاسخ شوهرش به این سوال را به ما می‌گوید: «در شش ماهگی به بیماری مننژیت مبتلا شدم و متأسفانه پزشکان در ابتدا متوجه بیماری‌ام نشدند. بعد از چند وقت که به بیماری پی می‌برند به خانواده‌ام گفته می‌شود که به زودی دچار یکی از سه آسیب ناشنوایی، نابینایی یا آسیب نخاعی خواهیم شد. حتی زمانی هم که کمی از حس ناشنوایی برخوردار بودم، خانواده‌برایم سمعک تهیه کردند ولی به دلیل حساسیت به صدای سمعک حاضر به استفاده از آن نشدم و اکنون یک ناشنوی مطلق هستم.»

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

چهارشنبه ۹ مهر ۱۳۹۹
۱۲ صفر ۱۴۴۲ • ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۰
شماره ۲۰۴۸۸

۱۷۰۸

قرص زاناکس

چه عوارضی دارد؟

اختلال

«ترس از بهترین نبودن»

سلفی در سال ۳۸۰۰ میلادی

ماجرای ادعای زنی که می‌گوید
به کمک یک فیزیک دان در زمان سفر کرده‌است

همسرم اولین شخصی بود که هیئت‌های مذهبی ناشنویان را دایر کرد

اما الان با همکاری موسسه انصارالحسین (ع) مراسم مختلف عزاداری را در این موسسه برگزار می‌کنیم. یکی دیگر از خدمات همسرم به ناشنویان، برگزاری کلاس تفسیر قرآن و آموزش احکام بود که از سال ۸۷ روزی یک بار در هفته برگزار می‌شود. همچنین در سال ۹۳ همسرم طرحی را به دفتر یکی از مراجع تقلید ارائه کرد که در پی آن به برخی از روحانیون، زبان اشاره آموزش داده شود تا آن‌ها در شهرستان‌ها برای ناشنویان اصول و احکام دین را تبلیغ کنند.»

خواسته‌های ناشنویان زیاد نیست

سعدی در بخشی از گفت‌وگویش با ما درباره بی‌توجهی مسئولان به خواسته‌های ناشنویان از جمله حقوق شهروندی آنان و نبود شغل برای آن‌ها، نبودن مترجم‌زبان اشاره برای ناشنویان در اداره‌ها و سازمان‌ها و... می‌گوید: «یک معضل ناشنویان، معضل بیکاری است. وقتی که یک ناشنوا برای یافتن شغل به جایی مراجعه می‌کند و می‌بیند وی توانایی صحبت کردن ندارد، از واگذاری شغل به او خودداری می‌کند. معضل دیگر، کمبود مترجم‌زبان اشاره در ادارات و نهادهاست. برای مثال ناشنوایی به شهرداری، بانک یا بیمارستان مراجعه می‌کند اما به علت نبود مترجم‌زبان اشاره به مشکل برمی‌خورد و کارش راه نمی‌افتد، راهش هم این است که هر رئیس اداره حداقل باید به یکی از کارکنان خود زبان اشاره را آموزش دهد تا به هنگام مراجعه ناشنویان، به درخواست‌هایشان رسیدگی شود.»



ناشنوایی هم معلولیت

هست و هم نیست

سوال پایانی من از اشتری این بود که آیا ناشنوایی را کم‌توانی می‌دانند؟ او این‌طور جواب این سوال را می‌دهد: «از نظر من ناشنوایی معلولیت نیست، اگر یک فرد ناشنوا انگیزه و اعتماد به نفس بالایی داشته باشد و به نیازهای او از سوی خانواده و جامعه توجه شود، ناشنوایی، مانعی بر سر راه پیشرفت او تلقی نمی‌شود ولی اگر اعتماد به نفس‌اش پایین باشد و آموزش و تربیت وی درست و اصولی انجام نشود، ناشنوایی، یک نوع معلولیت به حساب می‌آید.» خانم سعدی، همسروی هم بایک جمله این گفت‌وگو را به پایان می‌رساند: «همسر ما، فراگیری تحصیلات عالی و هو گرفتن مدرک دکترای خواست ثابت کند که من با وجود ناشنوایی به هر هدف والایی که بخواهم می‌توانم برسم.»

حضور در کنگره جهانی

ناشنویان به عنوان

نماینده قاره آسیا

اشتری سال ۲۰۰۳ به عنوان نماینده ناشنویان قاره آسیا در کنگره جهانی ناشنویان مونترآل کانادا سخنرانی کرده و سال ۲۰۰۹ هم در کنفرانس بین‌المللی تاریخ ناشنویان که به میزبانی شهر استکهلم سوئد برگزار شد، سخنرانی کرده است. «سعدی» درباره تصمیم جالب اشتری بعد از سفر به سوئد برای کاهش مشکلات ناشنویان در حوزه علمی و فرهنگی می‌گوید: «زمانی که همسرم برای شرکت در کنفرانس بین‌المللی تاریخ ناشنویان به سوئد سفر می‌کند، بعد از بازدید از کتابخانه بزرگی در استکهلم که مختص ناشنویان بود، تصمیم می‌گیرد مشابه چنین کتابخانه‌ای را برای ناشنویان در ایران دایر کند اما متأسفانه توجه ویژه‌ای از سوی مسئولان به این طرح نشد. ناگفته نماند حدود یک سال و نیم برای پیاده‌سازی این طرح پیش‌رفتیم اما به دلیل نبود حمایت‌های مالی این طرح ناتمام ماند و نیاز بزرگ ناشنویان که دسترسی به یک کتابخانه برای کاهش دغدغه‌های علمی، تحصیلی و فرهنگی‌شان بود به سرانجامی نرسید.»

زبان بدن در ارتباط با ناشنویان مهم است

«وقتی برای یک ناشنوا کاری را انجام می‌دهم، حس لذت و آرامش و رضایت به من دست می‌دهد»، اشتری درباره دلایل این همه تلاش برای کمک به ناشنویان می‌گوید: «این کار باعث شده که من انسان خودساخته‌ای بشوم و من را در مقابل مسائل زندگی مقاوم‌تر کرده‌است. مردم باید بدانند ناشنویان همه چیز را از صورت مردم دریافت می‌کنند. یعنی اگر شما کاری را برای آن‌ها انجام دهید، ولی صورت‌تان گرفته و اخم‌آلود باشد، احساس می‌کنند از این که به شما مراجعه کرده‌اند، ناراحتید. امیدوارم مردم به زبان بدن‌شان در ارتباط با ناشنویان توجه داشته باشند.»

به خاطر ناشنویان نامزدش را شدم

جالب است بدانید اشتری سه دوره نامزد انتخابات شورای شهر تهران هم شده است و صلاحیت وی هم در هر سه دوره احراز شد و مورد تأیید قرار گرفت، اما موفق به ورود به شورای شهر تهران نشد. سعدی از همسرش اهداف حضور در این انتخابات را می‌پرسد که او می‌گوید: «از آن‌جا که دیدم به حقوق شهروندی معلولان توجه زیادی نمی‌شود، تصمیم گرفتم برای تحقق این اهداف وارد شورای شهر بشوم و از این طریق بتوانم پیگیر اجرای حقوق شهروندی معلولان بشوم.»